

ORIGINAL ARTICLE

Analyzing teachers and students' cultural and political action in the process of Islamic revolution victory in Gilan

Yaser Karimi Gilaye^{1*}, Hojjat Fallah Tootkar², Bagher Ali Adelfar², Mohsen Bahram Nezhad²

¹PhD student of the Islamic Revolution, Faculty of Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.,

² Department of History, Faculty of Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Correspondence

Yaser Karimi Gilaye

Email: yaserkarimi65@yahoo.com

How to cite

Karimi Gilaye, Y., Fallah Tootkar, H., Adelfar, B. A., & Bahram Nezhad, B. (2023-2024). Analyzing the cultural and political action of teachers and students of Guilan province in the victory process of the Islamic Revolution. *Iran Local Histories*, 12(1), 97-110.

ABSTRACT

Teachers and students were one of the most important social forces emerging from the new educational structure in the country, who took a critical stance towards the unbalanced Pahlavi government's political and social functions. The teachers and students of Guilan province, like their counterparts in other provinces of the country, after the transformation in the social structure, the expansion of the challenging discourses of the political system and the emergence of the destructive leader named Imam Khomeini, have provided the foundation for the emergence of dissatisfaction and street protests and created cultural and revolutionary activism by participating in protests and marches and distributing and reproducing of revolutionary leaflets and books. This research with descriptive-analytical approach and historical method and relying on documentary sources and oral history tries to answer the question, what role did teachers and students of different cities of Gilan province play in the formation and political mobilization of forces in the Islamic Revolution. ? The findings showed that they were among the pioneers of the flow of awareness and political cohesion to carry out revolutionary action among different strata of the society, and with their behavioral and expressive actions, they provided the ground for the presence of the revolutionary masses in the scene of the revolution.

KEYWORDS

Teachers, Students, Guilan province, Imam Khomeini, Islamic revolution.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

واکاوی کنش فرهنگی و سیاسی معلمان و دانش‌آموزان استان گیلان در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی

یاسر کریمی گیلايه^{۱*}، حجت فلاح توتکار^۲، باقرعلی عادلفر^۲، محسن بهرام‌نژاد^۲

چکیده

قشر معلم و دانش‌آموز از مهمترین نیروهای اجتماعی برآمده از ساختار آموزشی نوین در کشور بودند که نسبت به کارکردهای نامتوازن سیاسی و اجتماعی حکومت پهلوی، موضع انتقادی اتخاذ نمودند. معلمان و دانش‌آموزان استان گیلان نیز به مانند هم‌نوعان خود در دیگر استان‌های کشور در پی دگرگونی در ساختار اجتماعی، بسط گفتمان‌های چالشگر نظام سیاسی و ظهور رهبری ساختارشکن به نام امام خمینی (ره)، شالوده‌ی بروز نارضایتی و اعتراضات خیابانی را فراهم نمودند و با حضور مستمر در اعتراضات و راهپیمایی‌ها و توزیع و تکثیر اعلامیه‌ها و کتب انقلابی دست به کنشگری فرهنگی و انقلابی زدند. این پژوهش می‌کوشد تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تاریخی و با تکیه بر منابع اسنادی و تاریخ شفاهی به این پرسش پاسخ دهد که معلمان و دانش‌آموزان شهرهای مختلف استان گیلان چه نقشی در شکل‌دهی و بسیج سیاسی نیروها در انقلاب اسلامی داشتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آنان از پیشگامان جریان آگاهی‌بخشی و انسجام سیاسی جهت انجام کنش انقلابی در بین اقشار مختلف جامعه بودند و با کنش‌های رفتاری و بیانی خود زمینه‌ی حضور توده‌های انقلابی را در صحنه‌ی انقلاب فراهم نمودند.

واژه‌های کلیدی

معلمان، دانش‌آموزان، استان گیلان، امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی.

^۱دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

^۲گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

نویسنده مسئول:

یاسر کریمی گیلايه

رایانامه: yaserkarimi65@yahoo.com

استناد به این مقاله:

کریمی گیلايه، یاسر؛ فلاح توتکار، حجت؛ عادلفر، باقرعلی و بهرام‌نژاد، محسن (۱۴۰۲). واکاوی کنش فرهنگی و سیاسی معلمان و دانش‌آموزان استان گیلان در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۹۷-۱۱۰.

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران معلمان و دانش‌آموزان نقش ممتازی در شکل‌گیری اعتراضات و بارور شدن جریان‌های انتقادی و عدالت‌خواهانه داشته‌اند. در انقلاب اسلامی آنان با حضور خود در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌گسترش تفکر انقلابی را در افشار مختلف جامعه فراهم نمودند.

از بُعد روانشناختی، دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه در دوره نوجوانی از مراحل رشد جسمانی و شناختی قرار دارند. آنان در این مرحله از رشد، ظرفیت پرداختن به مقولات مجرد را پیدا کرده و فکر‌رهایی از پدیده‌های منفی، علاقه به سیاست و تمایلات خودبزرگ‌بینی در رفتار را در خود پرورش می‌دهند (Piaget, 1967: 69). آنان به شکل آشکاری به ایجاد تغییر می‌اندیشند و در صورت وجود شرایط بالقوه انقلابی، به شرکت در رفتار اجتماعی اخلاص‌گرنه تمایل پیدا کرده و خود و دیگران را به مخاطره می‌اندازند (Moller, 1968: 256). در جامعه درگیر انقلاب، دانش‌آموزان در سایه هدایت فکری - فرهنگی معلمان به مهمترین نیروهای اجتماعی در جامعه تبدیل می‌شوند که برای ایجاد تغییر دست به کنش اجتماعی فراگیر می‌زنند.

مطالعه منابع موجود گواه بر آن است که وضعیت نظام آموزشی جدید در گیلان در سال ۱۳۵۷ نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر گسترده‌تر و رشدیافته‌تر بود. برپایه سالشماری سال ۱۳۵۵ حدود ۶۸/۳ درصد جمعیت ۶ سال به بالا در نقاط شهری استان باسواد بودند (خمامی‌زاده، ۱۳۷۴: ۳/۴۹۵؛ همان، ۱۳۸۴: ۱۶۵). طبق آمار در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ بیش از چهارصدوهشتاد هزار دانش‌آموز در سراسر استان گیلان راهی سیزده هزار کلاس درس شدند. از این تعداد دانش‌آموز: ۲۷۴/۴۵۸ نفر پسر و ۲۰۲/۹۲۳ نفر دختر بودند که در ۲/۷۲۰ آموزشگاه به تفکیک ۱۵۳ واحد کودکستان، ۸۷۴ واحد مدارس سپاهی، ۱۰۰۰ واحد مدارس ابتدایی، ۳۸۶ واحد مدرسه راهنمایی تحصیلی، ۱۲۹ واحد دبیرستان، ۴۱ واحد مدرسه فنی و حرفه‌ای، ۱۴ واحد مراکز تربیت‌معلم و مدارس عالی، ۶۴ واحد دوره عمومی بزرگسالان، ۲۷ واحد دوره تکمیلی بزرگسالان و ۳۲ واحد دبیرستان‌های شبانه زیر نظر متجاوز از ۱۴/۵۰۰ معلم و دبیر و کارمند اداره تحصیل خود را شروع نمودند (آیندگان، ش ۳۲۴۰: ۶). گزارشات ساواک، فرمانداری‌ها و شهربانی‌ها اذعان می‌کند که همگام با فراگیر شدن گفتمان انقلاب، بسیاری از آنان در راهپیمایی‌ها و درگیری‌های خیابانی حضور داشته و با اقدامات خود علاوه بر پیدایش آگاهی جمعی برای تغییر؛ جنبش

انقلاب را به سمت «شدن» هدایت کردند. بررسی منابع در باب پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون کتاب‌های «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان گیلان»، «گیلان در گزاره ۵۷» تألیف علی اکبر مرادیان، «روزشمار انقلاب اسلامی در گیلان» پژوهش محمد پرچلم و «انقلاب اسلامی در گیلان» تألیف قدیر نجف‌زاده در خصوص چگونگی روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر مبنای ترتیب زمانی رخدادها منتشر شده‌اند. در نقد منابع فوق باید اظهار داشت که اثر نخست منبع سندی است که در سراسر مقاله به گزارشات آن در ارتباط با عنوان مقاله در کنار دیگر آرشیوها، مطبوعات و مصاحبه‌ها بهره گرفته شده است. دیگر منابع همسو با کتاب «روزشمار انقلاب اسلامی در گیلان» تنها به ذکر تاریخچه برخی رویدادهای مهم در مقطع انقلاب پرداخته و درباره موضوع پژوهش اطلاعاتی ارائه نمی‌دهند. بررسی منابع و نشریات علمی نشان می‌دهد که تاکنون درباره نقش افشار و گروه‌ها از جمله قشر معلم و دانش‌آموز تحقیق پژوهشی صورت نگرفته است از این رو کوشش شده است با استفاده از روش تحقیق اسنادی، تاریخ شفاهی و داده‌های موجود کنش سیاسی و فرهنگی معلمان و دانش‌آموزان شهرهای مختلف استان گیلان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب تا پیروزی آن تبیین و تحلیل گردد.

کنش‌های فرهنگی و سیاسی دانش‌آموزان در برابر ناکارآمدی‌های ساختار سیاسی

همگام با پیدایش نخستین مدارس جدید در ایران، دانش‌آموزان در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور تاثیر جدی بر روند تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه بر جای گذاشتند. دانش‌آموزان گیلانی در جریان بروز انقلاب مشروطه، تشکل‌های آزادی‌خواه پس از بمباران مجلس و رویدادهای پس از آنان حضور چشمگیر داشتند (نک؛ خمامی‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۴-۸۰). کنش سیاسی جنگلی‌ها، حضور معلمان و دانش‌آموزان گیلانی را در عرصه سیاسی آشکارتر کرد (فخرایی، ۱۳۶۲: ۳۳۱، ۱۵۰، ۹۴). در دهه سی همزمان با وقایع ملی‌شدن صنعت نفت و چالش‌های پیش‌رو دولت مصدق، آنان همسو با ایدئولوژی مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی در صحنه سیاسی حضور فعال داشتند. پس از اوج‌گیری سیاست اقتدارگرایی نظام حاکم، آنان با حضور گسترده در احزاب و تشکل‌های انتقادی به مبارزه فراگیر با حکومت پهلوی دست زدند. با گسترش قیام‌های مسلحانه، جنبش دانش‌آموزی شاهد تحول در رویکرد مبارزات فرهنگی و سیاسی خود شد. به تدریج بسیاری از

وجود شعارها و کنشگری آنان در دوسال پایانی منتهی به انقلاب رادیکال‌تر شد. تصادم برخی از رویدادها همچون «وفات سیدمصطفی خمینی» و نگارش مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» امام خمینی (ره) را به عنوان رهبری ساختارشکن و سازش‌ناپذیر به جامعه معرفی کرد. به دنبال آن بیشتر گروه‌های انقلابی جهت انجام کنش انقلابی با تمام تفاوت‌های بنیادین ایدئولوژیکی زیر نام امام خمینی گرد آمدند. پس از آن شعار «درد بر خمینی» در کنار شعار «مرگ بر شاه» بیشترین عبارتی بود که در خیلان‌ها و دیوار مدارس نوشته می‌شد (ا، ۱۳۷۸: ۴/۳۴۲؛ ۱۳۸۲: ۱۲/۱۸۸). علاوه بر شعارنویسی، دانش‌آموزان جامعه هدف نیروهای انقلابی برای توزیع اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها در جامعه بودند. آنان جهت تکثیر اعلامیه‌ها به همیاری معلمان خود اقدام به سرقت ماشین تحریر و دستگاه تکثیر از مدارس می‌نمودند. مطالعه اسناد نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان شهرهای مختلف استان در زمان توزیع اعلامیه‌ها یا کتاب‌های ممنوعه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده‌اند (ا، ۱۳۷۸: ۶/۲۸۱، ۲۸۷؛ ۱۳۷۹: ۷/۳۸۶؛ ۱۳۸۱: ۱۱/۲۲۰؛ ۱۳۸۲: ۱۲/۱۸۳؛ اگ، ۱۳۸۹: ۱/۲۲۷؛ موسوی، ۱۴۰۰).

معلمان گیلانی و کارکردهای فرهنگی و سیاسی آنان

بسیاری از پژوهشگران؛ معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان را در ردیف نخبگان حاشیه‌ای^۴ قرار می‌دهند که در پیدایش دگرگونی‌های اجتماعی و انقلابی پیشگام هستند (اسکاچ پل، ۱۳۸۹: ۱۹۴؛ راش، ۱۳۹۰: ۲۳۶). در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی آنان در کنار روحانیون و بازاریان مهمترین نیروهای پیش‌برنده انقلاب از آغاز شکل‌گیری تا پایان آن بودند (اشرف، ۱۳۸۶: ۲۰۳). معلمان بسان رسانه‌های ارتباطی نقش تسهیل‌کننده‌ای در گرایش توده‌های اجتماعی به جریان انقلاب و ایجاد کنش جمعی داشتند. آنان به مانند «واعظان و مبلغان دوره‌گرد» در «هنگام فقدان سایر رسانه‌ها، به‌عنوان کارگزاران ارتباطی» عمل می‌کنند (گر، ۱۳۷۷: ۳۲۴) و زمینه لازم را برای گسترش اندیشه‌های انقلابی و بسیج جمعی فراهم می‌نمایند. در جامعه ایران پیش‌انقلاب، معلمان گیلانی از مؤثرترین گروه‌ها و اقشار اجتماعی بودند که به اقدامات ناکارآمد سیاسی و فرهنگی حکومت پهلوی حساس شده و به روش‌های مختلف

آنان به عضویت گروه‌های مبارز درآمدند. در دهه پایانی حکومت پهلوی، وقوع حادثه سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ در روند سیاسی شدن دانش‌آموزان بسیار تاثیرگذار بود (وحدتی، ۱۴۰۰). پس از آن بسیاری از آنان به عناوین مختلف سعی در زنده نگه‌داشتن نام و یاد مبارزان و اشاعه تفکر انقلابی در بین نیروهای اجتماعی نمودند. به عنوان مثال طبق گزارش ساواک در چهارم دی‌ماه ۱۳۵۰ دانش‌آموزان مبارز لاهیجانی بر دیوار دبیرستان‌های «عبدالرزاق»، «ایران‌شهر»، «دخترانه بزرگمهر» و «دبستان ششم بهمن»، جمله‌ای تحت عنوان «خلق لاهیجان خاطره‌ی هوشنگ، ایرج، رحمت و منوچهرها را هرگز فراموش نخواهد کرد» نوشته بودند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۲۲۶). افراد مذکور از میزان چریک‌های فدایی بودند که در درگیری با نیروهای نظامی در سیاهکل جان خود را از دست داده بودند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۲۱۶؛ ۲۰۰-۱۹۹؛ اشرف، بی‌تا: ۱۶-۱۵، ۹-۵؛ حق‌گو، ۱۳۵۷: ۱۸۹-۱۸۶).

گروه‌های مبارز مختلف به منظور گسترش جریان انقلابی در میان دانش‌آموزان مبادرت به تشکیل انجمن‌ها و نشست‌ها می‌نمودند. در این نشست‌ها، دانش‌آموزان مقالاتی در قالب گفتمان آزادی، برابری، نفی نظام استبدادی و برقراری حکومت عدلخواهانه قرلثت می‌کردند (نک: اگ، ۱۳۸۹: ۱/۴۱۶؛ ۲/۷۳، ۸۵) و با توزیع اعلامیه‌ها و دیدگاه‌های انتقادی، نیروهای اجتماعی کنشگر را به شناخت دقیق موقعیت حاکمیت و انسجام صفوف مبارزاتی تحریک می‌نمودند (ا، ۱۳۷۸: ۶/۳۳۰). نیروهای اسلام‌گرا نیز در ذیل شبکه گسترده مساجد، جلساتی تحت پوشش کلاس‌های قرائت و تفسیر قرآن برگزار می‌کردند و در آن به بحث پیرامون مسائل سیاسی و فرهنگی می‌پرداختند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۴۰۰، ۳۹۰: ۲/۱۰۳، ۷۳؛ آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ش س ۲۲۹۳/۶۳۲۶). عضویت دانش‌آموزان در این گروه‌ها بسیاری از کارشناسان آموزش و پرورش را بر آن داشت تا به شاه در مورد خطرات سیاسی در حال ظهور هشدار دهند (مناشری، ۱۴۰۰: ۳۰۳). بررسی اسناد ساواک نشان می‌دهد که دانش‌آموزان منتقد به ناکارآمدی ساختار سیاسی، از آغاز دهه‌ی پنجاه با انجام فعالیت‌هایی همچون «شکستن تمثال‌های شاهنشاه»، نوشتن شعارهای علیه شاه و له «شهادی راه آزادی» بر دیوار مدارس شهرهای مختلف استان عملاً دست به کنش سیاسی زده‌اند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۴۲۵، ۴۰۹، ۴۰۶، ۳۶۱، ۳۵۹: ۲/۱۶۴، ۱۵۵). با این

۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (اختصار)

۱. خواننده، نویسنده و پژوهشگر موسیقی و از کنشگران انقلابی با ساختار سیاسی حکومت پهلوی در سیاهکل گیلان.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان گیلان (اختصار)

شاهپور»، «خانم ساده» دبیر «دبیرستان‌های دخترانه فروغ» و «راهنمای سعادت» در رشت؛ «مهدی تشکری»، «مهدی حسینی»، «قاسم خوش‌سیما»، «اکبر حریفی» و «صادق‌پور» از دبیران مدارس رودسر؛ «حجت انصاری» و «عبدالکریمی» از دبیران دبیرستان‌های لاهیجان؛ «اسدالله خجسته‌پور» دبیر دبیرستان‌های لنگرود؛ «تقی رحیمی» آموزگار «دبستان پرورش»، «حسن کشورنژاد»، «سکینه رضائیان» و «شمسی یوسفی» آموزگاران «دبستان عسجدی» آستانه‌اشرفیه؛ «احسان پورمهر»، «محمد نظریان»، «حسین پاداش»، «جمشید ابراهیم‌زاده»، «باقر عاشوری»، «لیولل‌حسن نیکروش» دبیران مدارس املش؛ «چاوشی» و «سدیدی» از معلمان «مدرسه راهنمایی تحصیلی کوروش کبیر» ضیابر؛ «کاظم کاظمی» و «فرامرز سرور» دبیران دبیرستان معینی ماسال؛ «احمد شکوری»، «محمدتقی طه» و «سید رحیم اژکان» از دبیران مدارس تالش و «غلام هیرید» آموزگار مدارس کلاچای چند نمونه از فرهنگیان فعال سیاسی در شهرهای مختلف استان بودند که علاوه بر روشنگری دانش‌آموزان و توده‌های مردم، در زمینه‌ی شعارنویسی، توزیع اعلامیه‌ها و تحریک فرهنگیان و دانش‌آموزان منغل به اعتصاب نقش زیادی داشته و گاه با تحریکات خود، مدارس را به تعطیلی می‌کشاندند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۳۰، ۱۱۸؛ ۲/ ۴۱۱، ۳۶۹، ۲۶۰، ۲۷۱، ۳۵۸، ۷۹، ۷۴، ۶۵؛ ا، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۵۰۸، ۳۳۰، ۲۷۷، ۲۱۹-۲۱۸، ۱۲۷، ۱۳۸۴: ۱۶/ ۸۸؛ حسینی، ۱۳۹۹: صفری، ۱۴۰۱). آنان با قرائت بخش‌هایی از کتاب‌های صمد بهرنگی، فروغ فرخزاد، علی شریعتی و جلال آل‌احمد در کلاس، دانش‌آموزان را به مطالعه کتب سیاسی و انتقادی ترغیب می‌کردند (اگ، ۱۳۸۹: ۲/ ۳۶۳؛ خانعلی پور، ۱۴۰۰).

در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، انجمن‌های فکری-صنفی معلمان بر اقدامات و فعالیت‌های خود افزود. جامعه معلمان ایران که پیش‌تر ذیل عنوان «باشگاه مهرگان» فعالیت می‌کرد، بازآفرینی شد و نقش مهمی در برپایی اعتراضات و اعتصابات ایفاء نمود. به عنوان مثال در بیست‌و‌چهارم آبان ۱۳۵۷ بنا به دعوت جامعه معلمان بندر پهلوی حدود پنجاه هزار نفر در مراسم بزرگداشت «ابراهیم جعفری» دبیر «دبیرستان بازرگانی» در «دبیرستان فردوسی» اجتماع نمودند که در پایان مراسم با صدور قطعنامه‌ای خواستار «تشکیل حکومت اسلامی»، «آزادی زندانیان

نسبت به آن واکنش نشان دادند. آنان به دلیل برخورداری از منزلت بالای اجتماعی، به عنوان مهمترین نیروهای فکری تاثیرگذار توانستند با هدایت و سازماندهی مبارزان، انقلاب را به مرحله «شدن» هدایت کنند. بدون تردید برای پیدایش یک جنبش انقلابی، علاوه بر بسیج فکری و انسجام نارضایتی‌های عمومی، سازماندهی و هدایت مردم نیز از اصول اساسی بشمار می‌آید (Oberschall, 1973: 28)؛ اقدامی که معلمان در جریان فراگیری گفتمان انقلاب به آن دست زدند. آنان مدارس را به پایگاه انتقال آگاهی‌های سیاسی و سازماندهی نیروها بدل نموده و با سخنرانی‌ها و نقد بنیان‌های ایدئولوژیک حکومت، توده‌های منغل را به مشارکت در کنش سیاسی فراخواندند (اگ، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۳۰، ۱۲۳). معلمان گیلانی در برپایی اجتماعات و تشکل‌های سیاسی پیشگام بوده و نقش اساسی در طراحی و تداوم اعتصابات داشتند. آنان به این امر آگاه بودند که «اعتصابات و راهپیمایی‌ها مهمترین راه رسیدن به پیروزی نهایی» است (Hiro, 1985: 89). رفتار منتقدانه آنان نسبت به ساختار سیاسی باعث شد تا حکومت از آنان به عنوان «عناصر اخلاک‌گر»، «آشوب‌طلب» و «بی‌وطن که باعث ننگ جامعه شریف معلمی هستند» یاد کند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۲۵۳).

اسناد بر نقش تاثیرگذار معلمان در تحریک دانش‌آموزان جهت انجام کنش فرهنگی و انقلابی صحنه می‌گذارد. به عنوان مثال «یعقوب محمدپور» از اعضای وابسته به جبهه‌ی ملی و دبیر ادبیات مدارس بندر پهلوی و بعدها لاهیجان و سیاهکل جهت آگاهی سیاسی دانش‌آموزان در کلاس درس، آنان را به نوشتن انشا و مطالعه کتب سیاسی تشویق نموده و در اوج کنش انقلابی، با سخنرانی‌های خود نقش مؤثری در راه‌اندازی تظاهرات فرهنگیان در لاهیجان بر عهده داشت (اگ، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۱۱، ۷۱، ۵۸، ۳۵، ۳۱، ۲۹). «شهباز شهبازی» دیگر دبیر عضو جبهه‌ی ملی و انقلابی در رودسر بود که بر اثر فعالیت‌های سیاسی در اوایل دهه چهل از خدمت منفصل گردید (اگ، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۹۴، ۱۵۲). «مرتضی رحیمی»، «منوچهر نیری»، «رحمت پیروندیزی» و «منوچهر بهایی‌پور» از جمله دبیران استان با عقاید مارکسیستی بودند که در جریان حمله به پاسگاه سیاهکل در بهمن ۱۳۴۹ جان خود را از دست دادند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۰۰-۱۹۹). همچنین «محمد صیانتی» و «حسین حسین‌زاده» از دبیران «دبیرستان

۳. معلم مبارز گیلانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و شاغل در مدارس آوج از شهرهای قزوین.

۱. دانش‌آموز مبارز در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دبیرستان شاپور رشت.
۲. مدیر و معلم مدرسه ابتدایی روستای لاشیدان حکومتی لاهیجان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی.

هشت نفر از آنان دستگیر و سایر دبیران به عنوان اعتراض به دستگیری همکاران خود در اداره اجتماع و خواستار آزادی آنان شدند (اگ، ۱۳۸۹: ۲/ ۴۴۸؛ ا، ۱۳۸۲: ۱۲/ ۴۸۷؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۳۰: ۲۱، ش ۱۵۷۳۱: ۱۵).

در روز شانزدهم مهرماه ۱۳۵۷ امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی پیامی از پاریس به ایران فرستاد و توجه دانش‌آموزان و دانشجویان را به نکاتی درباره ادامه نهضت جلب کرد. وی اذعان نمود که در اعتصابات خود پشتکار به خرج داده و شعارهای اسلامی خود را هرچه بیشتر گسترش دهد (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳/ ۴۸۸-۴۸۳). در نتیجه آن روز دانش‌آموزان «دبیرستان شاپور» رشت از رفتن به کلاس درس خودداری و در محوطه دبیرستان اجتماع نمودند. آنان در حالی که پلاکاردهایی با محتوای «درد بر شهیدان راه حق» و «دانش‌آموزان زندانی را آزاد کنید» در دست داشتند؛ شعارهایی همچون «ای سرباز تو بی گناهی؛ اسیر دست شاهی» و «فرماندهت جلاد است» را سر می‌دادند (اگ، ۱۳۸۹: ۲/ ۳۵۳). علاوه بر آن دانش‌آموزان «دبیرستان‌های شاه‌دخت»، «سامی»، «فروغ»، «نوربخش»، «راهنمایی سعادت»، «روشنک»، «ابوریحان»، «دبستان دین و دانش» و «هنرستان صنعتی رضاشاه کبیر» از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کرده و در نتیجه «پیش از سه هزارنفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌ها» ضمن سردادن شعارها به راه‌پیمایی در خیابان‌ها پرداختند (آیندگان، ش ۳۲۳۷: ۳؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۳۱: ۱۷، ۱۴). در صومعه‌سرا نیز حدود هفتادوشش نفر از معلمان از رفتن به کلاس درس خودداری و دانش‌آموزان دبیرستان‌های «آریا»، «ششم بهمن» و «شمس» را تشویق به ترک کلاس و اعتراض خیابانی نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۷۵-۷۱). معلمان لاهیجان نیز به مانند روزهای گذشته در جلوی اداره آموزش و پرورش اجتماع کردند. آنان با حمل پلاکاردهایی که تصاویر امام خمینی بر آن‌ها نصب شده بود و شعارهای پارچه‌ای با مضامینی «مکتب ما حسینی، خواسته ما خمینی»، «آزادی زندانیان سیاسی»، «اتحاد، مبارزه تا پیروزی» و تقاضای بازگشت امام خمینی به ایران، پشتیبانی خود را از خواسته‌های معلمان و دانش‌آموزان سراسر کشور اعلام نمودند. سپس در قطعنامه‌ای ۲۴ ماده‌ای مطالبات خود را مطرح نمودند. «پرهیزی» معاون آموزش و پرورش، «یعقوب محمدپور»، «صمد صمدی» و «احمد آریازند» از فرهنگیان شهرستان از گردانندگان اصلی تظاهرات بودند (ا، ۱۳۸۳: ۳۲۷، ۱۲۹، ۱۲۵؛ آیندگان، ش ۳۲۳۷: ۳؛ کیهان، ش ۱۰۵۸۴: ۴؛ رستاخیز، ش ۱۰۳۴: ۱۸). در آستانه اشرفیه نیز

سیاسی، «اخراج بیگانگان» و «مصونیت از تعرض نظامیان» شدند (آیندگان، ش ۳۲۶۵: ۴). در رودسر نیز جامعه معلمان رهبری فکری و سیاسی مردم را برعهده داشت. آنان در روز بیست‌وسوم دی‌ماه توانست «حدود پانزده هزار نفر» را تشویق به تظاهرات خیابانی کند (کیهان، ش ۱۰۶۱۱: ۶؛ احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

پیشگامی دانش‌آموزان گیلانی در تنش‌های سیاسی - انقلابی سال ۱۳۵۷

از تابستان ۱۳۵۷ شماری از بانک‌ها و مؤسسات دولتی در رشت و شهرهایی چون صومعه‌سرا، لاهیجان، فومن و رودسر توسط معترضان علی‌الخصوص دانش‌آموزان به آتش کشیده شد (ا، ۱۳۸۱: ۱۰/ ۴۴-۴۳، ۱۹، ۹). با اوج‌گیری اعتراضات خیابانی و تخریب اموال دولتی، درگیری‌های مابین مردم و نیروهای امنیتی به درگیری‌های خونین و دستگیری عده‌ای از محرکین منتهی شد (ا، ۱۳۸۱: ۱۰/ ۱۴۷، ۴۴؛ اطلاعات، ش ۱۵۶۹۸: ۳؛ آیندگان، ش ۳۳۰۹: ۱۲).

بررسی روند وقایع و مطالعه منابع نشان می‌دهد که با بازگشایی مدارس در مهرماه ۱۳۵۷ فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی معلمان و دانش‌آموزان ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد. اعتراضات و اعتصابات آنان در عمل باعث فلج شدن نظام آموزشی کشور شد. بیشتر مدارس به کانون تجمع و حرکت‌های اعتراض‌آمیز بدل گردید. به عنوان نمونه؛ در دوازدهم مهرماه دانش‌آموزان کلاس چهارم فرهنگ و ادب «دبیرستان عظمت ماسالی» به تحریک دبیر خود «جهان سوز مهربخش» به نشانه اعتراض به سیاست‌های حکومت و همدردی با دانش‌آموزان مبارز شهرهای مختلف کلاس درس را تعطیل نمودند (ا، ۱۳۸۲: ۱۲/ ۳۳۷). در رودسر نیز حدود سیصد نفر از دانش‌آموزان «دبیرستان ۱۵ بهمن» و «هنرستان صنعتی» به بهانه‌ی نداشتن برنامه تحصیلی به اتفاق چند نفر از معلمان که به حقوق دریافتی خود اعتراض داشتند، در اداره آموزش و پرورش شهر اجتماع نمودند (ا، ۱۳۸۲: ۱۲/ ۳۸۳؛ ۱۳/ ۴۳۰؛ کیهان، ش ۱۰۵۸۲: ۳۰؛ ش ۱۰۵۸۴: ۲۲). در رشت نیز دبیران «دبیرستان شاپور» نیز دست به اعتصاب زده و از رفتن به کلاس خودداری کردند. تحت تاثیر این اقدام، حدود چهارصدنفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های مختلف در حوالی خیابان حاجی‌آباد و بازار اقدام به تظاهرات و راه‌پیمایی دسته‌جمعی نمودند (روزهای حماسه و نور، ۱۳۹۳: ۳۶۶؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲/ ۳۴۶). معلمان لاهیجان و رودبند نیز به‌عنوان همبستگی با معلمان معترض در رشت در اداره آموزش و پرورش دست به اعتصاب زده و هفت جام از شیشه‌های اداره را شکستند. در نتیجه‌ی دخالت نیروهای امنیتی

محمد درخشش؛ انحلال دواير حفاظت در ادارات آموزش و پرورش؛ تشکیل کانون معلمان به‌طور مستقل در سراسر کشور؛ جلوگیری از بهره‌برداری تبلیغاتی از نیروی معلمان در تظاهرات فرمایشی؛ رفع تبعیض بین معلمان و کارمندان کشور؛ تامین مسکن یا پرداخت حق مسکن برای معلمان؛ حذف برنامه‌ی تغذیه‌ی رایگان؛ لغو حکومت نظامی و گماردن افراد درست‌کار در پست‌های اداری به‌جای افراد نادرست» اشاره شده بود (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۳۳۲ - ۳۲۹؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲ / ۳۶۷). در بیست و سوم مهرماه ۱۳۵۷ عده‌ای از رؤسای دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی تحصیلی و دبیران رشت در یک گردهمایی در سالن «دبیرستان شاپور» قطعنامه‌ای در هفده ماده مشابیه موارد فوق صادر کردند (اگ، ۱۳۸۹: ۲ / ۳۷۳ - ۳۷۲).

همزمان با اعتراضات تقریباً خودجوش معلمان و دانش‌آموزان نسبت به ساختار سیاسی کشور، ارگان‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، کارخانجات و ادارات دولتی و خصوصی گیلان نیز دست به اعتصاب زدند (نک؛ ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۴۴۸، ۳۵۳، ۸۸ - ۸۳؛ خراسان، ش ۸۵۱۸؛ ۶: آیندگان، ش ۳۳۴۰؛ ۳؛ ش ۳۲۳۵؛ ۳؛ ش ۳۲۳۸؛ ۱۶؛ ش ۳۲۴۸؛ ۱۶؛ رستاخیز، ش ۱۰۳۲؛ ۱۳، ۴، ۱؛ ش ۱۰۳۴؛ ۱۷، ۲؛ ش ۱۰۳۵؛ ۱۵، ۴؛ بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۰۳؛ ۱۷). در روز بیست و چهارم مهرماه که مصادف با چهلم کشته‌شدگان هفده شهریور بود، در سراسر کشور مراسم یادبودی برگزار گردید. در این روز اکثر دانشسراهای راهنمایی تحصیلی، هنرستان‌ها، دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی رشت، فومن، صومعه‌سرا، کوچصفهان، خام، رودبار، لوشان، لنگرود، لاهیجان، رودسر و آستانه‌اشرفیه به حالت تعطیل و مغازه‌های شهرها به‌صورت نیمه‌تعطیل درآمد. دانش‌آموزان در سطح خیابان‌ها با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهای چون «حکومت ما اسلامی است، رهبر ما خمینی است؛ پیروزی از آن ماست و برادر ارتشی چرا برادر کشی» اقدام به تظاهرات نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۲۵ - ۴۵۰؛ روزنامه خراسان، ش ۸۵۲۱؛ ۸؛ بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۱۰؛ ۲۸؛ آیندگان، ش ۳۲۴۲؛ ۶). در املش حدود چهارصد نفر از معلمان، دانش‌آموزان و طبقات مختلف مردم مبادرت به تظاهرات آرام در سطح شهر نموده و خواستار رسیدگی به قطعنامه یازده ماده‌ای خود که توسط «حاجی رضانی»، «سیدهادی علی‌پور»، «قاسم رضائی صوفی»، «حسن زارع‌پور»، «محمد علی یاسری»، «فتح‌الله منزوی» و «باقرعلی عاشوری» از معلمان شهر نوشته شده بود، شدند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۰۸).

چهارصد تن و در لنگرود حدود هشتصد نفر از معلمان و دانش‌آموزان در جلوی اداره آموزش و پرورش تجمع نموده و اذعان کردند که «ما قصد هیچ‌گونه آشوب و بلوا نداریم. تنها خواسته‌های خود را اعلام می‌کنیم». با این حال مأموران انتظامی برای متفرق کردن اجتماع آنان از ماشین آتش‌نشانی استفاده کرده و عده‌ای از معلمان را دستگیر نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۱۸، ۱۲۹ - ۱۲۸، ۷۷؛ کیهان، ش ۱۰۵۸۴؛ ۲۲؛ ش ۱۰۵۸۵: ۷).

فراگیری کنش سیاسی دانش‌آموزان باعث شد که شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش استان گیلان در جلسه‌ای فوق‌العاده، تصمیمی مبنی بر تعطیلی یک هفته‌ای کلیه دبیرستان‌های استان، انستیتوها و دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی از روز هفدهم مهرماه بگیرد (اگ، ۱۳۸۹: ۲ / ۳۵۷؛ آیندگان، ش ۳۲۳۸؛ ۳) اما این اقدام مانع حضور دانش‌آموزان در بستر خیابان‌ها نشد. طبق گزارشات دانش‌آموزان «دبیرستان‌های شاپور»، «نوربخش»، «رضاشاه کبیر» و همچنین «دبیرستان‌های دخترانه فروغ»، «روشنک»، «رهنمای سعادت» به‌صورت گروهی در خیابان‌ها به تظاهرات زدند (رستاخیز، ش ۱۰۳۵؛ ۱۵، ۱۳، ۴). در فومن نیز دانش‌آموزان «دبیرستان‌های پسرانه فردوسی» و «محمدرضا شاه» و در کوچصفهان دانش‌آموزان «دبیرستان پسرانه ابوالمعالی» از رفتن به کلاس درس خودداری و اقدام به برگزاری تجمعات در سطح شهر نمودند (اگ، ۱۳۸۹: ۲ / ۱۵۷ - ۳۵۵؛ ۱۳۸۳: ۱۳ / ۱۳۰ - ۱۲۸).

در روز نوزدهم مهرماه تظاهرات گسترده‌ای توسط دانش‌آموزان در سطح شهر رشت برگزار شد (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۵۷؛ رستاخیز، ش ۱۰۳۵؛ ۴). در املش حدود دویست نفر از فرهنگیان و دانش‌آموزان مقابل اداره آموزش و پرورش اجتماع و خواستار «منطقه‌ای شدن آموزش و پرورش املش» و آزادی «کاظم ربانی» دبیر دستگیر شده در روزهای گذشته شدند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۵۸). در سیاهکل، تالش، صومعه‌سرا، شفت و فومن نیز معلمان دست به اعتصاب زده و از حضور در کلاس‌های درس خودداری و به همراه دانش‌آموزان در سطح شهرها اقدام به راهپیمایی کردند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۷۷، ۲۵۹؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲ / ۳۶۱). «حمید عباسی» دانشجوی دانش‌سرای راهنمایی، «صفری» آموزگار، «مرتاض» دانشجوی پزشکی و «حسین جاوید» فارغ‌التحصیل دانش‌سرای مقدماتی از محرکین و رهبران اصلی تظاهرات‌ها در فومن بودند (ا، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۵۹).

در بیستم مهرماه ۱۳۵۷ فرهنگیان رودسر، تالش، رودبار و فومن در تلگرافی به وزارت آموزش و پرورش و اداره کل مهمترین خواسته‌های خود مانند «اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی و متمم آن؛ آزادی زندانیان سیاسی و معلمان و دانش‌آموزان خصوصاً

شهر به فرمانداری رفته و خواستار برکناری فرماندار که از نظر آنان بانی این زدوخورد بوده، می‌شوند (ش ۱۰۵۱: ۱۸).

اوج‌گیری اعتراضات خیابانی باعث شد که ساواک و رئیس شهربانی استان گیلان طی گزارشی اسامی رهبران اصلی تظاهرات‌ها و اعتصابات را که عمدتاً فرهنگی و دانش‌آموز بودند، منتشر نماید. برحسب گزارش «تندکار دبیر دبیرستان شاهپور»؛ «کازلی، دانش‌آموز دبیرستان سام»؛ «منوچهر شهبازیان» و «فرهمندپور» از دبیران دبیرستان‌های رشت؛ «باقری، کارمند دفتری مدرسه دین و دانش»؛ «محمد ملک‌جانی، عباس ذرات احسان، سیروس ماشی‌شریف، دانش‌آموزان سال سوم خدمات شبانه دبیرستان بازرگانی»؛ «یوسف حداد، دانش‌آموز سال چهارم نظری»؛ «فرشید ولی‌زاده دانش‌آموز»؛ «امان‌الله امانی دبیر دبیرستان مجتمع فرهنگیان»؛ «لقمانی معلم دبیرستان فرهنگ و دین»؛ «ناهد نیقی آموزگار دبستان پاجه‌کنار»؛ «مهدی بابایی، رمضان سلیمی کی‌آبادی، مهدی شریفی، فرموده ابوطالبی، زهتاب، اسماعیل سروری، بهرام امینی، محمد محمدی، راستی‌مهر و اسحاقی‌پور دانش‌آموزان مقاطع مختلف مدرسه خدمات بازرگانی لاگان»؛ «حسن فاطمی دانش‌آموز سال اول نظری دبیرستان دین و دانش»؛ «شهاب مؤمنی دانش‌آموز دبیرستان رضاشاه کبیر»؛ «روزبه رودبانی و حسین الوندکوهی دانش‌آموزان هنرستان صنعتی» از محرکین اصلی اعتراضات خیابانی بودند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۲ - ۳۹۰ - ۳۸۸).

در روز ششم آبان تظاهرات معلمان و دانش‌آموزان به همراه اقشار مختلف مردم در شهرهای رشت، صومعه سرا، فومن، لنگرود، رودسر، منجیل و هشتیر در بستر خیابان‌ها انجام گرفت (ا، ۱۳۸۳: ۱/۴ - ۳۸۴ - ۳۸۳، ۳۱۸؛ آیندگان، ش ۳۲۵۲: ۱۱). در لاهیجان حدود دوهزار نفر از فرهنگیان، دانش‌آموزان، بازاریان و کشاورزان تظاهرات گسترده‌ای برگزار کردند. معلمان در پایان راهپیمایی درخواست‌های صنفی و سیاسی خود را در ۳۹ بند نشر دادند (برای آگاهی از مفاد قطعنامه نک: ا، ۱۳۸۳: ۱/۴ - ۲۸۸، ضمیمه ش ۹؛ رستاخیز، ش ۱۰۴۹: ۱۸). در لشت‌نشا معلمان به صورت خودجوش کلاس‌ها را تعطیل و در جلوی اداره آموزش و پرورش بخش مزبور اعتصاب نشسته نموده و قطعنامه ۱۳ ماده‌ای را صادر کردند (رستاخیز، ش ۱۰۵۰: ۱۶). طبق گزارش ساواک، «سهراب جمشیدی، جمال اسم‌خانی و مهدی خوش‌خو» دبیران دبیرستان‌های لشت‌نشا از محرکین اصلی اعتصابات و تجمعات دانش‌آموزی بودند (اگ، ۱۳۸۹: ۱/۲ - ۳۹۷).

در هفته آخر مهرماه اکثر مدارس شهرهای مختلف به مانند روزهای قبل تعطیل بود (اگ، ۱۳۸۹: ۲/۳۷۹). معلمان در لاهیجان و لنگرود در شهرهای خود اجتماع نموده و با «ایراندخت مزارعی» مدیرکل آموزش و پرورش استان در زمینه‌ی اجرای خواسته‌های خود مذاکره نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱/۳ - ۶۰۵، ۵۴۳؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۴۰: ۸؛ رستاخیز، ش ۱۰۴۱: ۲۲).

اعتصابات و راهپیمایی‌ها در آبان‌ماه با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. در روز اول آبان حدود صدوپنجاه نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های لاهیجان که به تدریج بر تعداد آنان افزوده می‌شد، با حمل عکس امام خمینی و پلاکاردهای حاوی شعارهای «ما حکومت اسلامی می‌خواهیم» و سردادن شعارهای «زندمیاد خمینی» اقدام به تظاهرات خیابانی نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱/۴ - ۹۳، ۲۹). روزنامه کیهان تعداد تظاهرات‌کنندگان را «حدود چهارهزار نفر از دانش‌آموز دختر و پسر لاهیجانی» برآورد کرد (ش ۱۰۵۹۴: ۲۲).

در رشت تظاهرات گسترده‌ای با شرکت اقشار مختلف مردم و دانش‌آموزان در زیر باران شدید برگزار شد. دانش‌آموزان «دبیرستان شاپور» که پیش از این تصاویر شاه را از کلاس برداشته و به جای آن عکس دکتر شریعتی را نصب نموده بودند، کلاس‌های درس را تعطیل و پس از شکستن شیشه‌های درب و پنجره‌های دبیرستان، ضمن سردادن شعارهای ضدحکومتی به خیابان‌ها آمدند. آنان پس از مدتی در جلوی «دبیرستان آینده» تجمع نموده و دانش‌آموزان مدرسه مذکور را تشویق به پیوستن و برگزاری تظاهرات نمودند. روزنامه‌های آیندگان، کیهان و اطلاعات تعداد تظاهرات‌کنندگان را به ترتیب هشت، ده و سی‌هزار نفر برآورد کردند. در این تظاهرات دانش‌آموزان ضمن راه‌پیمایی، خواستار آزادی زندانیان و رفع تبعیض و برکناری رییس آموزش و پرورش ناحیه یک رشت شدند. در این بین گروهی از فرهنگیان و دانش‌آموزان به منزل «عطاالله معتدل» استاندار گیلان هجوم برده و ضمن شکستن شیشه‌های ساختمان، به تخریب برخی از وسایل موجود در آن پرداختند (ا، ۱۳۸۳: ۱/۴ - ۱۷۳، ۴۴۴؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲/۳۸۵؛ رستاخیز، ش ۱۰۴۷: ۳، ۴؛ کیهان، ش ۱۰۵۹۶: ۲۷؛ آیندگان، ش ۳۲۵۰: ۳). در صومعه‌سرا نیز تظاهرات معلمان و دانش‌آموزان به درگیری انجامید. روزنامه رستاخیز در خصوص علت این رفتار خشونت‌گرایی آورده است: «علت تظاهرات، حمله تعدادی از روستاییان موافق حکومت به یک ماشین مسافری و ضرب و شتم دو تن از آموزگاران سوار بر آن و نیز وارد شدن به شهر و درگیری با فرهنگیان صومعه‌سرا» بوده است. پس از آن گروه‌هایی از مردم

سام» به «سردار جنگل»، «خیابان کوروش» به «دکتر حشمت» و «دبیرستان آریا» صومعه‌سرا را به «دبیرستان شهید فریبرز برش‌نورد» تغییر نام دادند (ا، ۱۳۸۳: ۱۵/۱۹۶؛ آیندگان، ش ۳۲۵۵: ۲؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲/۴۰۴، ۴۰۷). این تظاهرات به دلیل گستردگی جمعیتی آن، انعکاس وسیعی در مطبوعات کشور داشت (اگ، ۱۳۸۹: ۲/۴۰۴؛ کیهان، ش ۱۰۶۰۲: ۴). همچنین فرهنگیان نسبت به تهدید وزارت آموزش و پرورش مبنی بر اینکه «چنان‌که تا بیستم آبان‌ماه در کلاس درس حاضر نشوند، اخراج خواهند شد»، واکنش نشان داده و تصمیم گرفتند که با اجتماع در «دبیرستان شاهپور» همگی مبادرت به استعفا نمایند (روزهای حماسه و نور، ۱۳۹۳: ۵۰۷).

در مراسم سومین روز کشته‌شدن فریبرز برش‌نورد اقبال مختلف مردم از شهرهای مختلف از جمله رشت، لنگرود، رودسر و فومن به صومعه‌سرا رفتند. معترضان با در دست داشتن پرچم‌های سیاه و سردادن شعارهایی علیه حکومت در میدان شهر تجمع کرده و نام میدان اصلی شهر را به «میدان شهدا» تغییر دادند (رستاخیز، ش ۱۰۵۳: ۴). بررسی اسناد و مطبوعات نشان می‌دهد که در سایر شهرهای استان گیلان تظاهرات معلمان و دانش‌آموزان به مانند سابق در جریان بوده است (ا، ۱۳۸۳: ۱۴/۵۶۶؛ ۱۳۸۳: ۱۵/۳۳۱، ۲۶۹، ۱۹۸، ۸۴-۸۲، ۲۹؛ اگ، ۱۳۸۹: ۲/۴۰۸؛ آیندگان، ش ۳۲۵۴: ۲؛ ش ۳۲۳۷: ۳؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۵۱: ۲؛ بولتن رادیو تلویزیون ملی ایران، ش ۱۸۸: ۴۳). طی گزارش محرمانه ساواک یک معلم انقلابی به نام آقای «رضابخش» شعری به زبان گیلکی سروده که در رشت و بندرپهلوی نشر یافت (ا، ۱۳۸۳: ۱۵/۲۷۱).

در بیستم آبان تظاهرات گسترده‌ای با حضور چند هزار تن از معلمان، دانش‌آموزان و بازاریان لاهیجان برگزار شد. معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش اجتماع و با صدور قطعنامه مطالبات خود را اعلام داشتند و تأکید کردند تا انجام خواست‌هایشان همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد (آیندگان، ش ۳۲۴۳: ۱۲). اعتراضات در روز بعدی به خشونت کشیده شد. تظاهرات‌کنندگان در اقدامی خشونت‌گرانه تعدادی لاستیک اتومبیل و جعبه‌های چوبی در وسط خیابان کاشف شرقی به آتش کشیده و شیشه بانک‌های بیمه، بازرگانان، ملی و صادرات را شکستند (ا، ۱۳۸۴: ۷/۱۶). روزنامه خراسان اذعان کرد که در این درگیری چهارتن کشته و بیست و هشت تن زخمی شدند

در روز هشتم آبان نیز دانش‌آموزان لاهیجانی در دو دسته دوهزار نفری در خیابان‌های شهر به راه افتادند. گروهی از آنان درحالی‌که تصاویری از امام خمینی با پرچم سیاه و پلاکاردهای با مضامین مذهبی را حمل می‌کردند، خواستار برقراری حکومت اسلامی بودند. دسته دوم که روزنامه اطلاعات آن‌ها را «غیرمذهبی» می‌خواند، در حالی که شعارهای در مخالف با دولت و حکومت سر می‌دادند در خیابان‌های شهر به تظاهرات پرداختند (ش ۱۵۷۴۷: ۱۸). در تالش نیز معلمان و دانش‌آموزان مدارس «کوروش»، «هلاکو رامبد»، «هفده دی» به علت کشته‌شدن یکی از معلمان شهر در مقابل اداره آموزش و پرورش اجتماع و ضمن سردادن شعار ضد حکومتی، خواستار برکناری رئیس آموزش و پرورش شدند (اگ، ۱۳۸۹: ۲/۴۱۱). در روز بعد تظاهرات گسترده‌ای با حضور اقبال مختلف مردم در صومعه‌سرا برگزار شد. در درگیری که بین مأموران امنیتی و مردم روی داد، «فریبرز برش‌نورد»^۱ دانش‌آموز سال چهارم متوسطه کشته و بین شش تا نوزده نفر زخمی شدند (اطلاعات، ش ۱۵۷۴۹: ۸؛ رستاخیز، ش ۱۰۵۱: ۱۸؛ روزهای حماسه و نور، ۱۳۹۳: ۴۷۷). در شهر خمam نیز کارکنان اداره آموزش و پرورش ضمن اعلام هم‌بستگی با سایر فرهنگیان و دانش‌آموزان خواسته‌های خود را در هجده ماده تنظیم نمودند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به لغو حکومت‌نظامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، منع تعقیب تبعیدشدگان سیاسی، ادغام فوق‌العاده شغل در حقوق پرداخت کارانه به کارکنان اداره آموزش و پرورش، دستور پرداخت مطالبات معوقه کارکنان اداری و آموزشی، انحلال سازمان امنیت کشور و غیره اشاره نمود (اگ، ۱۳۸۹: ۲/۴۰۴).

در رشت نیز تظاهرات گسترده‌ای برگزار شد. معلمان، کادر اداری آموزش و پرورش، دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌ها به همراه عده‌ای از بازاریان، کارگران و مردم در «دبیرستان شاهپور» اجتماع و سپس از مسیر خیابان پهلوی شروع به راه‌پیمایی و سردادن شعارهای «آزادی، استقلال» و «رهبر ما خمینی است» نمودند (ا، ۱۳۸۳: ۱۴/۵۶۳). در این اجتماع قطعنامه‌ای دوازده ماده‌ای توسط معلمان صادر شد که از موارد آن آزادی تمام دانش‌آموزان به ویژه دو دانش‌آموز به نام‌های «شقایق» و «کامل گنجی» و دبیران و دانشجویانی بود که در روزهای اخیر دستگیر شده بودند. معترضان در اقدامی فرهنگی-سیاسی نام «دبیرستان شاهپور» را به «دبیرستان آزادگان»، «خیابان دکتر

به‌ویژه در شهرهای بزرگ که معمولاً با مشارکت خیل عظیم دانش‌آموزان صورت می‌گرفت، مؤثر باشد. بر همین اساس دولت نظامی در اطلاعیه‌ای روز دوم دی‌ماه ۱۳۵۷ را روز بازگشایی مدارس اعلام نمود. اما بازگشایی مدارس با اعتراض شدید معلمان مواجه گردید. در این روز دامنه تظاهرات دانش‌آموزی فزونی گرفت. به‌حدی که دولت بالاجبار در اطلاعیه‌ای بار دیگر مدارس را تعطیل نمود. تظاهرات دانش‌آموزان با درگیری نیروهای امنیتی ادامه پیدا کرد. در روز پنجم تظاهرات گسترده‌ای با حضور دانش‌آموزان و نیروهای مردمی در رودسر برگزار شد که در جریان آن شیشه‌های بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات دولتی شکسته شد. مأموران پلیس برای متفرق نمودن تظاهرات‌کنندگان به تیراندازی متوسل شدند که در نتیجه آن دو دانش‌آموز به اسامی «مهدی قاسمی» و «محمد هدایت بازرگانی» شهید شدند (کیهان، ش ۱۰۶۰۶: ۷؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۵۴: ۴؛ رئیس‌ان، ۱۳۹۹). دو روز بعد در مراسم یادبود کشته‌شدگان، اعتراضات شدید فرهنگیان و دانش‌آموزان شهر به وقوع پیوست که در درگیری با نیروهای امنیتی فرد جوانی بنام «اصغر هاشم‌پور» کشته شد (ا، ۱۳۸۵: ۲۲/۳۶۱). در رشت نیز دانش‌آموزان «دبیرستان شاهپور» در اقدامی اعتراضی شیشه‌های اداره آموزش و پرورش را شکسته و تعدادی از دفاتر حسابداری آن را به آتش کشیدند (گزارش زمستان ۵۷، ۱۳۷۲: ۲۶). همچنین معلمان پس از راهپیمایی گسترده در خیابان لاکانی با مقاومت مأموران روبرو شدند که در نتیجه‌ی درگیری «ابراهیم جعفری» دبیر «دبیرستان بازرگانی» مضروب و ساعتی بعد در بیمارستان درگذشت. در نتیجه‌ی اعتراض معلمان، جامعه پزشکان رشت با اعلام همبستگی با جامعه معلمان استان، اعلامیه‌ای منتشر کرد و طی آن از کلیه همکاران دعوت نمود، جهت پشتیبانی از مبارزات ملی و احقاق حقوق انسانی و مبارزه با استعمار و عوامل استبداد در مقابل بیمارستان رازی تحصن نمایند (کیهان، ش ۱۰۶۰۵: ۲؛ ا، ۱۳۸۵: ۲۲/۲۵۱).

در روزهای بعد ناآرامی‌ها گسترش پیدا کرد. در رودسر تظاهرات‌کنندگان شیشه‌های ساختمان فرمانداری و بخشداری را شکسته و واحدهای آموزشی، بانک‌ها و بازار را به تعطیلی کشاندند (مهر ایران، ش ۴۶۶۴: ۴؛ اخبار جنبش اسلامی، ش ۱۱: ۱۸ دی ۵۷). در رشت درگیری نیروهای امنیتی با مردم در اعتراض به کشته‌شدن ابراهیم جعفری به وقوع پیوست. «مردم خواستار تحویل جنازه دبیر جوان شدند اما پلیس به مخالفت با آنان پرداخت و بدنبال آن تظاهراتی صورت گرفت که دامنه آن به خیابان‌های استخر، لاکانی و غیره کشیده شد». سرانجام «بر اثر تیراندازی مأموران، جوانی بنام

(خراسان، ش ۸۵۴۴: ۸) اما روزنامه اطلاعات مدعی بود که تعداد کشته‌شدگان «طبق گواهی بیمارستان قوام» دوازده نفر بوده است. با این وجود انقلابیون اذعان می‌کردند که «در تظاهرات این شهر چهل نفر کشته شده‌اند» (ضمیمه، ش ۱۶۶۲۰: ۳؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۳۸۷۹۱). هر چند ادعای هر دو روزنامه را باید با شک و تردید مورد تبیین قرار داد، اما گزارشات شهربانی خبر از وقوع درگیری خشونت‌بار بین نیروهای حکومتی و مردم دارد. اوضاع در دیگر شهرهای نیز آشفته بود. در بسیاری از اعتراضات، معلمان و دانش‌آموزان در درگیری با نیروهای امنیتی زخمی و دستگیر شدند (ا: ۱۶/۹۰-۸۸؛ ۱۷/۱۵۱؛ ۱۸/۴۳۵، ۲۷۶، ۱۳/۱۹، ۴۶۲، ۳۰۱، ۱۱۳؛ ۱۳۸۵: ۲۰/۱۶۲، ۱۶۰؛ بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۷۱: ۱۴). در کنار این درگیری‌ها، کانون معلمان شهرهای مختلف از اواخر آبان‌ماه تشکیل شد و کنش‌های صنفی - سیاسی معلمان و دانش‌آموزان را در ذیل فعالیت‌های کانون قرار داد. به عنوان مثال در روز سیزدهم آذرماه جامعه نوین‌د معلمان صومعه‌سرا با توزیع اعلامیه‌ای تحت عنوان «ایمان، مقاومت، تشکل، تقوا، پیروزی»؛ به تشریح هدف‌های اساسی جامعه در هفت ماده پرداخت. علاوه بر اهداف سیاسی و صنفی، کانون دو شماره حساب جهت کمک به بازماندگان شهیدای حادثه هفده شهریور تهران و یاری‌رساندن به فرهنگیان که در اثر اعتصاب متضرر شده بودند، اعلام نمود (ا، ۱۳۸۴: ۳۰۱/۱۸).

گفت‌وگوهای شهادت و گسترش کنش خیابانی دانش‌آموزان

رویکرد شهادت‌طلبی و مبارزه تا پای جان برای رسیدن به هدف در دهه پایانی حکومت پهلوی در ادبیات سیاسی مبارزان رایج شد. در تلاطم کنش انقلابی، جریان مبارز اسلام‌گرا از دی‌ماه سال ۱۳۵۶ شعار «از جان خود گذشتیم با خون خود نوشتیم یا مرگ یا خمینی» را به مثابه بخشی از خودانگاری جنبش اسلام‌گرا برگزیدند. مدارس سراسر استان تحت تاثیر اعتصابات معلمان و تظاهرات هر روزه دانش‌آموزان تعطیل بود. در برخی از شهرها، انقلابیون، نمادهای فرهنگی حکومت را تخریب و نام یا تصاویر مبارزان شهید شده در خیابان‌ها و سردرب ادارات و موسسات را نصب نمودند. در یک مورد در لاهیجان، انقلابیون در اقدامی نمادین نام «خیابان رضاشاه کبیر» را به «آیت‌الله خمینی» و یکی از مدارس راهنمایی تحصیلی را به نام «دکتر شریعتی» نام‌گذاری کردند (ا، ۱۳۸۴: ۱۹/۴۶۳).

حکومت، تعطیل بودن مدارس را به ضرر خود می‌دانست و بر این باور بود که بازگشایی مدارس می‌تولند در کاهش تظاهرات

طبق آمار فوق ده نفر به اسامی «نعمت‌الله برش‌نور»، «مراد بلال‌زاده»، «رحیم‌الله پورنصیری»، «طیبه پیراسته»، «محمود تابان»، «حمید سجاسی»، «مهدی قاسمی»، «فرحناز معصومی»، «وحدید مهرساده» و «محمدهدایت بازرگانی» از قشر دانش‌آموز و سه نفر از معلمان به نام‌های «حمیدرضا ابراهیم‌نژاد»، «ابراهیم جعفری» و «احمد عطاآفرین» در درگیری با نیروهای امنیتی به شهادت رسیدند^۳ (فرهنگ اعلام شهدا استان گیلان، ۱۳۹۵: ۱۴۲، ۱۶۲، ۷۳۲، ۶۱۵، ۵۳۵، ۴۱۲، ۲۰۳، ۱۸۰، ۱۷۵، ۱۷۲، ۱۲۷، ۱۱۹، ۲۳). گروه سنی دانش‌آموزان گیلانی کشته‌شده نشان می‌دهد که به جز «حمید سجاسی» که در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کرد، مابقی در مقطع دبیرستان بوده‌اند. با این وجود در تحلیل آماری نمودار فوق باید اذعان کرد که مجموعه گردآوری شده، آماری از کشته‌شدگان قشر معلم و دانش‌آموز عضو در گروه‌های چریکی و مبارز غیراسلام‌گرا وجود ندارد. همچنین باید به این نکته توجه نمود که در کنش‌های درگیرانه و انقلابی فراگیر همیشه آمار تعدادی از کشته‌شدگان به دلایل مختلف از جمله وجود فضای سرکوب و خفقان حاکم توسط بستگان مکتوم می‌ماند یا هیچ اطلاعی از مکان دفن شده و اسم فرد موردنظر در ارگانی ثبت نمی‌شود یا ممکن است اطلاعات آماری فرد کشته شده سهواً از روی خطا در آمار موجود جامانده باشد. با این وجود بررسی اسناد ساواک، اسناد برجای مانده مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مطبوعات، آرشیو مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید و امور ایثارگران حاکی از آن است که در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی، معلمان و دانش‌آموزان در قیاس با دیگر گروه‌های اجتماعی در انواع متفاوت اعتراضات و درگیری‌های خیابانی فعالانه شرکت جسته و به نسبت تعدادشان در کل جمعیت، از هر گروه اجتماعی دیگر کشته، زخمی و زندانی داده‌اند.

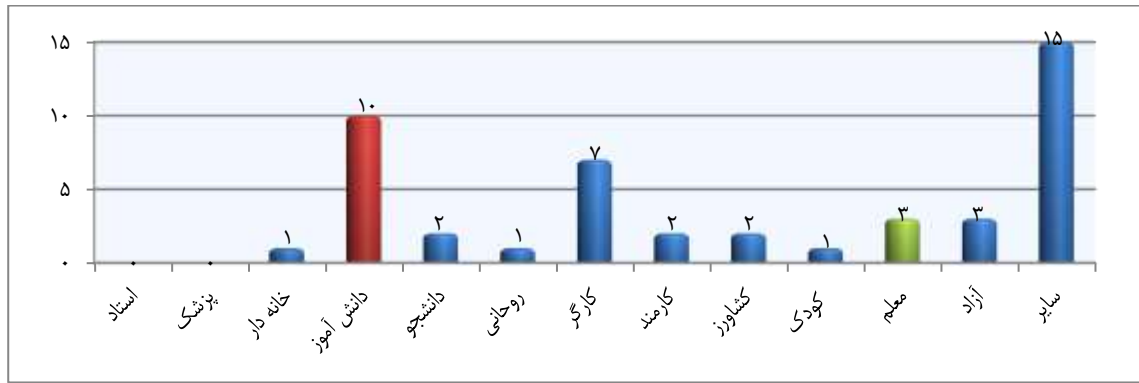
درگیری‌های خشونت‌بار در ماه پیلانی حکومت ادامه پیدا کرد. در هفته آخر دی‌ماه و بهمن‌ماه تظاهرات پراکنده‌ای در خیابان‌های شهرهای مختلف استان برگزار شد. طبق گزارش مطبوعات در رشت، رودسر، فومن، صومعه‌سرا، رودبار، لنگرود و آستانه اشرفیه تظاهرات خیابانی در محکوم کردن دولت بختیار برپا شد (کیهان، ش ۱۰۶۱۱: ۶؛ ش ۱۰۶۱۲: ۷؛ ش ۱۰۶۱۳: ۵؛ بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۹۶: ۱۳؛ ش ۲۹۸: ۱۲؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۵۹: ۴؛ آیندگان، ش ۳۲۶۳: ۴).

«تقی اشکیل» کشته و هشت نفر مجروح شدند» (اطلاعات، ش ۱۶۶۲۱: ۳؛ مرادیان، ۱۳۹۶: ۵۱). در رودبار نیز تظاهراتی با شرکت معلمان و دانش‌آموزان برگزار شد که طی آن «تابلوهای اصول انقلاب^۱ شکسته و یک کافه‌رستوران به آتش کشیده شد» (ا، ۱۳۸۵: ۲۲/۴۱۱). روزنامه کیهان از مقابله خونین ماموران امنیتی با مردم در روز نهم دی‌ماه نوشت که در نتیجه‌ی آن دو نفر در رشت و چهار نفر به نام‌های «علی رمضان‌پور، حسین پرندک، کاظم جعفرپور و یک جوان مجهول‌الهویه» در آستانه‌اشرفیه کشته شدند (ش ۱۰۶۰۵: ۲؛ ش ۱۰۶۱۳: ۷). روزنامه رسمی بورس هم خبر از زخمی شدن چهار نفر و بازداشت شدن هفتاد و دو نفر در رشت داد (بورس، ش ۴۲۱۵: ۴). در لنگرود و آستانه‌اشرفیه نیز تظاهرات کنندگان، شهر را در اختیار کامل خود گرفته و فرماندار و شهردار را فراری دادند (گزارش زمستان ۵۷، ۱۳۷۲: ۱۲۸؛ کیهان، ش ۱۰۶۱۳: ۷؛ مرادیان، ۱۳۹۶: ۵۹). نیروهای انقلابی به مدت سه روز کنترل این شهرها را در اختیار داشتند تا آن که با ورود نیروهای امنیتی و کماندوها از رشت، اوضاع تحت کنترل حکومت درآمد.

از روز دهم تا نوزدهم دی‌ماه ۱۳۵۷ تظاهرات گسترده‌ای توسط معلمان و جوانان انقلابی در شهرهای رشت، خم، لاهیجان، لنگرود و صومعه‌سرا به وقوع پیوست. تظاهرات کنندگان شعارهای علیه مقامات حکومتی سرداده و خواستار تغییر رژیم و برپایی حکومت اسلامی بودند. طبق گزارشات ساواک و مطبوعات در درگیری ماموران با مردم، در لاهیجان هفت نفر کشته و چهل و یک نفر مجروح، در رشت یک نفر، در صومعه‌سرا دو نفر و در لنگرود یک نفر کشته شدند (ا، ۱۳۸۶: ۲۳/۲۰؛ روزهای حماسه و نور، ۱۳۹۳: ۶۳۱؛ روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۹/۲۰۵-۲۰۴؛ ضمیمه اطلاعات، ش ۱۶۶۲۱: ۳؛ کیهان، ش ۱۰۶۰۵: ۲؛ ش ۱۰۶۰۸: ۴؛ آیندگان، ش ۳۲۵۷: ۹؛ ش ۳۲۵۹: ۱۰، ۹، ۴). نکته قابل تامل آن است که در ثبت تعداد شهیدان، باید جانب احتیاط را رعایت کرد. زیرا بررسی داده‌های آماری بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان نشان می‌دهد که در فرآیند پیروزی انقلاب ۴۷ نفر^۲ در شهرهای مختلف استان در درگیری با ماموران امنیتی جان خود را از دست داده‌اند که با آمار مطبوعات اختلاف دارد.

۳. در گروه «سایر» اقشار مختلفی همچون راننده (۴ نفر)، فروشنده (۲ نفر)، سرباز (۲ نفر)، نجار (۱ نفر)، بازاری (۱ نفر)، نقاش خودرو (۱ نفر)، ارتشی (۱ نفر)، جوشکار (۱ نفر)، پاسدار کمیته (۱ نفر) و پیرایشگر (۱ نفر) قرار گرفته‌اند.

۱. منظور اصول شش‌گانه‌ای است که توسط حکومت پهلوی با هدف تحول در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور از بهمن ۱۳۴۱ صورت پذیرفت. روند اجرای این اصول در تاریخ معاصر ایران به «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» معروف است.
۲. این آمار افراد متولد شده در شهرهای استان گیلان که در استان‌های دیگر کشته شده‌اند را دربرنمی‌گیرد.



نمودار فراوانی گروه بندی مشاغل کشته‌شدگان استان گیلان در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶

می‌دهد که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مذهب شیعه نقش زیربنایی در همگرایی و بسیج سیاسی داشته و اندیشه راهنمای انقلاب را فراهم کرده بود. مواضع سیاسی امام خمینی با تکیه بر گفتمان شیعی، قشر معلم و دانش‌آموز را در مرکز حرکت‌های فرهنگی و انقلابی قرار داده و از طریق همبستگی با سایر گروه‌ها و نهادهای مذهبی - انقلابی به فعالیت‌های گسترده آنان جهت انجام کنش فراگیری انقلابی رسمیت می‌داد.

همچنین اسناد اذعان می‌کنند که معلمان و دانش‌آموزان شهرهای مختلف استان گیلان از مؤثرترین گروه‌های اجتماعی بودند که از روزهای آغازین نهضت در جهت بسط و گسترش ایدئولوژی انقلابی گام برداشته و جذب محافل انقلابی گردیده و ستون اصلی تظاهرات و درگیری‌های سخت خیابانی را شکل داده‌اند. معلمان در شکل‌دهی به بسیج سیاسی جهت کنش انقلابی، کلاس‌های درس را به کانون آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک تبدیل نموده و به‌طور مستقیم همراه با دانش‌آموزان در تظاهرات حضور فعال داشته‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که کنش‌های اعتراضی از سوی دانش‌آموزان با بازگشایی مدارس در مهرماه ۱۳۵۷ روند پرشتابی به خود گرفت. آنان با اقداماتی چون فرار از مدرسه، نگارش انشاءهای انتقادی، توزیع اعلامیه‌ها، به سرقت بردن دستگاه‌های پلی‌کپی، تخریب بانک‌ها و غیره دست به کنش فردی زدند. آنان که خود را بخشی از یک جنبش بزرگ‌تر اعتراضی می‌دانستند، به شیوه‌های گوناگون اقدام به نافرمانی مدنی نموده و در فعالیت‌های انقلابی خشونت‌آمیز و مسالمت‌آمیز در سطح شهر شرکت کردند. طبق آمار موجود، از ۴۷ شهید دو سال منتهی به انقلاب در استان گیلان، ۱۰ نفر از قشر دانش‌آموز و ۳ معلم بودند که بیانگر حضور فعال قشر معلم و دانش‌آموز در کنش عملی - انقلابی است.

در روز ششم بهمن تظاهرات پراکنده‌ای در نقاط مختلف رشت برگزار شد که در نتیجه درگیری با ماموران در حوالی خیابان سام یک جوان که دبیر دبیرستان‌های رشت بود، بر اثر اصابت گلوله کشته شد (بولتن خبرگزاری پارس، ش ۳۰۰: ۶، ۱۳۸۶: ۲۵/۲۳). همچنین تعداد زیادی از تاسیسات و منازل پرسنل ارتش و شهرداری به آتش کشیده شد. وحشت زیادی در بین اهالی شهر به‌وجود آمد و شهر حالت جنگ‌زده به خود گرفت. طبق گزارشات در درگیری بین ماموران امنیتی و معترضان براساس گزارش بیمارستان‌های کوروش، رازی و پهلوی چهار نفر از تظاهرکنندگان کشته و بیست و پنج نفر مجروح شدند (ا، ۱۳۸۶: ۱۸۸/۲۵؛ بولتن خبرگزاری پارس، ش ۳۰۱: ۴). اعتراضات در روزهای بعدی تا پیروزی انقلاب ادامه پیدا کرد. نکته قابل تامل آن است که با گسترش روند اعتراضات و همه‌گیری گفتمان انقلاب، عملاً تفکیک دانش‌آموزان و معلمان از سایر اقشار انقلابی در صحنه بسیار دشوار است. گزارشات شهرداری‌ها، اسناد برجای مانده، مطبوعات و منابع تاریخی از واژگانی همچون «خیل عظیم جمعیت»، «تظاهرات کنندگان»، «گروهی از مردم»، «جوانان»، «معترضان»، «آشوبگران» و عناوین جمع دیگر برای تبیین و توضیح نیروهای اجتماعی کنشگر در جنبش انقلابی استفاده کرده‌اند. با این حال طبق داده‌های تاریخی و آماری، نوجوانان گیلانی که خیل عظیمی از آنان دانش‌آموز بودند، نقش عمده‌ای در تحركات، اعتراضات انقلابی و اجتماعات خیابانی در یک سال منتهی به انقلاب داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

کنشگری معلمان و دانش‌آموزان در فرآیند انقلاب به عنوان قشری از اقشار طبقه متوسط جدید در کنار وجود رهبری سازش‌ناپذیر و اندیشه مذهبی در شکل‌یابی کنش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قابل تبیین است. بررسی منابع تاریخی، آرشیوی و داده‌های آماری نشان

کتابنامه

روزنامه انقلاب اسلامی، (۱۳۸۴)، ج ۹، به کوشش میرزاباقر علیان نژاد،

تهران، سوره مهر.

روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۵۷، شمارگان مختلف.

روزنامه آیندگان، سال ۱۳۵۷، شمارگان مختلف.

روزنامه بورس، سال ۱۳۵۷، شماره ۴۲۱۵.

روزنامه جمهوری اسلامی، سال ۱۳۵۸، شماره ۷۷.

روزنامه رستاخیز، سال ۱۳۵۷، شمارگان مختلف.

روزنامه کیهان، سال ۱۳۵۷، شمارگان مختلف.

روزنامه مهر ایران، سال ۱۳۵۷، شماره ۴۶۶۴.

روزهای حماسه و نور؛ بر اساس اسناد و مدارک ارتش شاهنشاهی،

(۱۳۹۳)، تنظیم‌کننده علی حسین احمدی، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی

و دانشنامه انقلاب اسلامی.

فخرایی، ابراهیم، (۱۳۶۲)، سردار جنگل، تهران، جاویدان، چ دهم.

فرهنگ اعلام شهدای استان گیلان، (۱۳۹۵)، تهران، نشر شاهد.

گر، تد. رابرت، (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی

مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گزارش زمستان ۵۷، (۱۳۷۲). به کوشش جلیل جباری، انتشارات سازمان

عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

مصاحبه با آقای سیدهادی موسوی در تاریخ ۱۴۰۰ / ۴ / ۲.

مصاحبه با آقای سیدمحمد حسینی در تاریخ ۱۳۹۹ / ۸ / ۱۷.

مصاحبه با آقای محمدرضا خانعلی‌پور در تاریخ ۱۴۰۰ / ۹ / ۱۷.

مصاحبه با آقای محمد رئیسین در تاریخ ۱۳۹۹ / ۱۲ / ۸.

مصاحبه با آقای ناصر وحدتی در تاریخ ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۸.

مصاحبه با آقای یعقوب صفری در تاریخ ۱۴۰۱ / ۶ / ۲۱.

مرادیان، علی اکبر، (۱۳۹۶)، گیلان در گزاره ۵۷، سوره مهر.

مناشری، دیوید، (۱۴۰۰)، نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن، ترجمه محمد

حسین بادامکی و عرفان مصلح، تهران، حکمت سینا، چاپ سوم.

میثمی، لطف‌الله، (۱۳۵۸)، ویژگی‌های انقلاب ایران، تهران، صمدیه.

نشریه اخبار جنبش اسلامی، (۱۳۵۷)، یازده شماره، مندرج در آرشیو اسناد

نهضت آزادی ایران، جلد نهم، دفتر یکم.

Hiro, Dilip, (1985), *Iran under the Ayatollahs*, London, Melbourne and Henley: Routledge and Kegan paul.

Moller, Herbert, (1968), "Youth as a Force in the Modern World", in *Comparative Students in Society and History*, Apil.

Oberschall, Anthony, (1973), *Social Conflict and Social Movement*, Prentice Hall, New Jersey.

Piaget, Jean, (1967), "The Moral Development of the Child", in *Six Psychological Students*, New York, Randon House.

آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ش س ۲۲۹۳/۶۳۲۶.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد سازماندهی نشده، ش ب ۳۸۷۹۳؛ ۳۸۷۹۱.

احمدی، حسین، (۱۳۹۵)، نقش معلمان و دانش‌آموزان در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اسکاچ پل، تدا، (۱۳۸۹)، دولت‌ها و انقلاب اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین‌تن، تهران، سروش، چ دوم.

اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، (۱۳۸۶)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نیلوفر.

اشرف، حمید، (بی‌تا)، تحلیلی از یک سال جنگ چریکی در شهر و کوه، آمریکا، سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان گیلان، (۱۳۸۹)، کتاب اول و دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، (۱۳۸۶)، کتاب بیست و پنجم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۸۵)، کتاب بیست و دوم، بیست و سوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۸۳)، کتاب پانزدهم، چهاردهم، سیزدهم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۷۸)، کتاب چهارم، ششم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۸۱)، کتاب دهم، یازدهم، دوازدهم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۸۴)، کتاب شانزدهم، هفدهم، هجدهم، نوزدهم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

_____، (۱۳۷۹)، کتاب هفتم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

بولتن خبرگزاری پارس، سال ۱۳۵۷، شمارگان مختلف.

بولتن رادیو و تلویزیون ملی ایران، سال ۱۳۵۷، ش ۱۸۸.

حق گو، منوچهر، (۱۳۵۷)، زندانیان سیاسی؛ شرح حال و مبارزات سیاسی فرزندان راستین ایران، تهران، عطایی.

خمامی‌زاده، جعفر، (۱۳۷۴)، «آموزش و پرورش در گیلان»، کتاب گیلان، جلد سوم، تهران، گروه پژوهشگران ایران.

_____، (۱۳۸۴)، تاریخچه آموزش و پرورش گیلان، تهران، سنا.

راش، مایکل، (۱۳۹۰)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت، چاپ دهم.